



مقام معظم رهبری:

مجلس با نمایندگان کارشناس و پاک دست در رأس امور خواهد بود

پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: مقام معظم رهبری در پیامی به مناسبت آغازیه کار یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، یکی از الزامات در رأس امور بودن مجلس را حضور نمایندگان فعال، منظم، پاک دست، امانت دار و دارای شناخت...

صفحه ۲

پنجشنبه ۸ خرداد ۱۳۹۹ • ۵ شوال ۱۴۴۱ • ۲۸ می ۲۰۲۰



روحانی در مراسم افتتاحیه مجلس یازدهم:

از مجلس اخوت می خواهیم

گروه سیاست: رئیس جمهوری روز گذشته در مراسم افتتاحیه مجلس یازدهم شرکت کرد و یکی از سخنرانان آن بود. حسن روحانی با تبریک به نمایندگان این دوره و مردم، گفت: «در مجلس شورای اسلامی از آغاز بزرگانی بر این صندلی ها نشستند...

صفحه ۲

سال هفدهم • شماره ۳۷۳۰ • ۱۶ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

سرمقاله

قتل رومینا؛ مشکل خلا قانون نیست

کامییز نوروزی - حقوق دان



واژه خلا قانونی در ایران، کلیدواژه‌ای است برای گریز از ناکارآمدی اجرائی و برنامه ریزی و اجتماعی برای مقابله با بزه؛ یا تعبیری است ناشی از نبود درک صحیحی از مفهوم قانون و کارکردهای آن و رابطه جرم و جامعه. تمسک به چیزی به نام «خلا قانونی» مانع از شناخت درست و عمیق مسائل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی است و نگاه ما را در دایره‌ای تنگ و بی حاصل محدود می کند.

واقعۀ ترازیک و دردناک قتل رومینا، دختر نوجوان ۱۳ یا ۱۴ ساله به دست پدرش نمونه‌ای جدید از این نوع تحلیل هاست. رومینا چند روز با جوان مورد علاقه اش از خانه می گریزد. آنها دستگیر می شوند. دختر به خانه بازگردانده می شود. همان شب پدر، دخترک را به قتل می رساند. خبر به سرعت می پیچد. افکار عمومی در بهت و اندوه فرو می رود و به درستی بر مطلوبیت رومینا انگشت می گذارد. تحلیلگران و جامعه مدنی و مقامات رسمی و حتی معاونان رئیس جمهور و شخص آقای رئیس جمهور و برخی مقام های قضائی واکنش های رسمی یا تحلیلی دارند. نقطه مشترک اغلب این نگاه ها تاکید بر «خلا قانونی» برای مقابله با خشونت خانگی و خشونت علیه زنان است. وعده تصویب قانون مناسب برای مقابله با خشونت خانگی می دهند. اما در این نوع وقایع و انواع جرائم دیگر در ایران، چقدر قانون نقش داشته است؟ فرض کنیم همین الان قانونی برای مقابله با خشونت خانگی وجود داشت؛ چقدر احتمال داشت رومینا و دختران یا زنانی مانند او در امان بمانند؟ شک نیست که قوانین کیفری تا حدی بازدارنده اند؛ ولی وقتی شرایط اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جرم زا گسترده و کارآمدی مدیریت عمومی پایین باشد، خصلت بازدارندگی قوانین حمایتی یا قوانین کیفری بسیار کاهش می یابد. این مشکل اصلی ماست. نه کمبود قانون.

چند مثال ساده این حقیقت تلخ را آشکار می کند. رژیم کیفری ایران درباره جرم قاچاق مواد مخدر تا حد مجازات مرگ بسیار سختگیر است. اما بنا به آمار رسمی منتشرشده در سالنامه آماری کشور، کشفیات مواد مخدر ایران از ۱۴۰ هزارو ۱۳۴ کیلوگرم در سال ۱۳۸۰ به ۸۰۸ هزارو ۶۳۲ کیلوگرم در سال ۱۳۹۶ رسید. این آمار اگرچه از یک سو می تواند بیان کننده موفقیت بیشتر نیروی انتظامی در کشف مواد مخدر باشد؛ ولی از سوی دیگر نشان دهنده افزایش عجیب حجم قاچاق و به تبع آن مصرف مواد مخدر در کشور است. اگر قانون حل کننده مشکل بود، نباید با این قوانین سخت کیفری و مقررات حمایتی مربوط به درمان معتادان، شاهد چنین افزایش هولناکی می بودیم. در مثالی دیگر، طبق قانون کار و قانون حمایت از حقوق کودکان به کارگیری کودکان ممنوع و در مواردی جرم است. بااین حال طبق آمار رسمی مرکز آمار در حال حاضر ۵۰۰ هزار کودک کار در ایران وجود دارد. به تازگی نیز یکی از نمایندگان مجلس این آمار را دست کم سه میلیون نفر اعلام کرد. چیزی را زبانی کودکان و خانواده های آنها را به سمت رواج و توسعه پدیده ای به نام کودکان کار می کشاند که این نوع قوانین حریف آنها نیست؛ چیزهایی مانند فقر و بحران های اقتصادی و حاشیه نشینی و مانند آنها. اینها حل بشود. دیگر نیاز چندان به قانون هم نخواهد بود. از این نوع مثال ها بسیار می توان آورد. از جرائم مالی تا جرائم علیه اشخاص مانند قتل و ضرب و جرح. چرا با وجود قانون و ممنوعیت های آن این همه کودک کار در ایران وجود دارد. علتش را باید در شرایط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی بچویم که عملا بازدارندگی قوانین کیفری کشور را به شدت کاهش داده اند.

ادامه در صفحه ۲

به اینستاگرام شرق بپیوندید

shargh.newspaper

Instagram

شماره ۵۵۹

۶۵۴۷

۸۸۹۴۲۰۳۵

sharghdaily.ir

عکس: محمدصادق نیک گستر، فارس



صفحه های ۳ و ۲

یادداشت

شگفتی آفرینی های رستم



مهدی افشار پژوهشگر

شاه مازندران باشد و کاووس نامه بنگاشت و به رستم بدادرستم نامه را به درگاه شاه مازندران برد و چون به شاه آگاهی دادند که پهلوانی غول پیکر با کمندی بر فتراک از سوی کاووس آمده، فرمان داد که با استقبال پهلوانان و برخورد قدرتمندانه شبان بیمی در دل فرستاده و شخص شاه افکندد و یکی از پهلوانان برای قدرت نمایی دست رستم را به نشانه خوشامدگویی در دست گرفت و با تمام نیرو فشرده؛ اما در بهت و ناباوری استقبال کنندگان، رستم قهقهه ای زد و چون دست آن پهلوان را فشرده، چهره اش رنگ باخت و در لحظه بی هویش شد. یکی از استقبال کنندگان خود را به شاه مازندران رساند و آنچه رخ داده بود، بازگو کرد و شاه برجسته ترین و زورمندترین پهلوان خود را به دیدار رستم گسیل داشت.

سواری که نامش کلاهور بود/ که مازندران زو پر از شور بود/ به سان پلنگ ژبان بُد به خوی/ نکردی به جرز جنگ، چیز آرزوی

شاه به او گفت: «زند این فرستاده رفته، هنرهای را نشان بده».

چنان کن که گردد رخس پر ز شرم/ به چشم اندر آرد ز شرم آب گرم

کلاهور به نشانه دوستی دست رستم را فشرده، چهره رستم از درد رنگ باخت و تنها لبخندی بر لب آورده، درد را تحمل کرد و آن گاه چنان انگشتان کلاهور را فشرده که ناخن هایش فرو ریخت و خون از دست هایش جاری شد. کلاهور با دست آویخته، درحالی که پی و پوست و ناخن ها فرو ریخته بود، به نزد شاه آمده، گفت که درد را خشم و خروش بنویسد تا او خود رساننده آن نامه به

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

«یک کلمه»



علی مندنی پور

بله، این ماییم، جماعتی که نخست «مدرنیته» را سلیقه ای اجرا کرده و آن را مزه مزه می کنیم و آن گاه به سراغ ترجمه «کتاب مدرنیته» به منظور آشنایی تئوریک با سازوکارهای آن می رویم.

پوسته را می آراییم و به «لایه ها» و «مغز» بی اعتنا مییم!

حافظه تاریخی مان ضعیف است و «احساس» در بسیاری از تصمیم گیری ها بر اندیشه مان غلبه دارد! در کلی گویی کم نمی آوریم، فرصت سوزی عادت مان شده، با قضا و قدر روزگار می گذرانیم، به وقت کار، تفریح و به وقت تفریح به یاد کار می افتیم! خودگداز و غریب نوازییم، مرغ همسایه را غاز می پنداریم. خودباوری مان کم و اعتمادمان در هر دو حوزه فردی و جمعی، آب رفته.

رقابت منفی، چشم و هم چشمی و حسادت در زندگی مان موج می زند، تظاهر و ریا در فرهنگ است، در چگونگی و نوع انتخاب های مان مانده ایم و برای عبور از ورودی تنگ صلاحیت ها به هر چیز و هر کسی که در دسترس مان است، چنگ زده و پناه می بریم تا شاید گرهی از کار فرو بسته مان بگشایند تا چه رسد به اینکه شانس اجازه انتخاب شدن با دانش و تجربه و تخصص را حتی به قید قرعه داشته باشیم! انتخاب های مان اغلب بدون شناخت، هیجانی و احساسی و با تکیه بر جغرافیای مشترک، قوم و قبیله و وابستگی های گروهی، خطی، باندی و منافع فردی و گه گاه جمعی شکل می گیرد و ای بسا در پاره ای از موارد به خواست عزیزی و حرمت رفیقی!

در این میان بهره گیری از بازی شیر و خط برای کندن قال قضیه نیز درمان موقت درد و راه گشاست!

ادامه در صفحه ۲

برای درج تبلیغات خود در وبسایت روزنامه شرق با ما تماس بگیرید

شماره ۸۸۹۴۲۰۳۵

sharghdaily.ir

حرف اول

زنی از نسل خداشناسان

آذر منصوری - فعال سیاسی



نوشتن از زنی که از نسل خداشناسان بود، سهل و آسان نیست. فریده ماشینی را می گویم؛ انسانی که روحی بزرگ و عزمی خستگی ناپذیر داشت؛ مردم را دوست داشت و برای این دوست داشتن، همه مارت ها را به جان می خرید. هنوز بغض فریده رهایمان نکرده است. صدای دلنشینی در گوشمان می پیچد و در باورمان نمی گنجد که او از میان ما رفته است. دهم خرداد. برای ما که فریده را با خلق نیکو و صفات انسانی و وفاداری و امید می شناختم، روزی سخت بود. می خواهم از صفات متمایز او بنویسم تا از یاد نبریم که در عصر و زمانه ما، بودند زنانی که تا پای جان و آخرین نفس، نمادی از امید بودند و امید می دادند. تا بودند، چراغی را روشن نگه داشتند و ققنوس وار راهی را پیش روی آیندگان گشودند. فریده ماشینی به قرآن کریم و اهل بیت پیامبر (ص) عشق می ورزید. این عشق و ارادت او مبنایی بود تا با شناخت اقتضانات زمانه و پیچیدگی های دنیای امروز، پاسخی منطقی و واقع بینانه برای نسلی که پرسش های بسیار و بدون جواب دارد، پیدا کند. فریده دغدغه های بسیار داشت؛ اما اصلی ترین دغدغه و دل مشغولی او، تمرکز بر مسائل زنان بود و به الهام از قرآن کریم، سعی در رفع این دغدغه ها داشت تا با نگاهی نو به دین، جایگاه زنان را در مسیر توسعه و پیشرفت کشور تعریف کند. ارتقا بخشد. مطالعات عمیق فریده ماشینی در زمینه مسائل اسلامی و نیز مطالعات زنان، به او این توانایی را داده بود که با طمأنینه و نرمش در گفت و گو ها وارد شود و با استدلال های روشن و دقیق، دیدگاه های خود را بیان کند. رواداری فریده و این منش او باعث شد بارها در نشست های مختلف با گروه هایی با دیدگاه های مختلف و ناهمسو بنشیند و به هم اندیشی با آنها بپردازد تا شاید از دل این هم اندیشی ها، همگرایی در مسائل زنان پدید آید. شاید استاد به نوشته های بسیاری که از خود به یادگار گذاشته است، ادای دینی هر چند کوچک باشد به روح عاشق او. او در مقاله ای که به مناسبت سی امین سال انقلاب اسلامی نوشته، به خوبی دیدگاه های خود را درباره جایگاه زنان ایران در این مقطع تاریخی بیان کرده است: «قطعا نمی توان موقعیت زنان در ایران را صرفا در نسبت و نقد قدرت سیاسی حاکم دید. چه واقعیاتی در بین زنان ایرانی در حال شکل گیری است که شاید چندان سختی با اقدامات نظام حاکم نداشته باشد.

ادامه در صفحه ۲

خبر به وقت شرق

به تلگرام شرق بپیوندید

@sharghdaily